



## زبان مشترک، کلید ارتباط در جهان دانش و فن

در تمدن‌های فراگیر گوناگون، همواره زبان علمی مشترک وجود داشته و خود وسیله‌ای بسیار مؤثر در پیشرفت دانش و فن بوده است. در سرزمین پهناور و پرجمعیت چین، زبان نوشتاری مشترک، در جنب گویش‌های متعدّد، زبان علمی و فرهنگی بوده و هست. در جهان مسیحی غرب، طیّ قرن‌های متمادی، زبان لاتینی زبان مشترک علمی بوده است. در جهان اسلام، عمدتاً زبان عربی به دانش و فن اختصاص داشته و حتّی زوال و انقراض برخی از زبان‌های قومی را باعث شده است. در جهان معاصر، می‌توان گفت زبان انگلیسی به درجهّ زبان فایق علمی ارتقا یافته و نه تنها در قارهّ اروپا بلکه در قاره‌های آسیا و امریکا نیز، به حیث زبان دانش و فن پذیرفته شده است. این زبان در کشورهای مشترک‌المنافع و هم در قارهّ امریکا-کانادا و ایالات متّحده - نه تنها زبان علمی بلکه همچنین زبان ادبی و فرهنگی مشترک شده است. در هند، اختیار این زبان در عرصهّ دانش و فن به عامل تعیین‌کنندهّ پیشرفت حیرت‌انگیز در علوم بنیادی به خصوص ریاضیات و فیزیک و برنامه‌ریزی رایانه‌ای مبدّل گشته است.

زبان مشترک علمی و فنی و فرهنگی با سیراب شدن از آبشخورهای پُرشمار، طبعاً به مراتب پُرشتاب‌تر از زبان‌های ملی و محلی نیرومند می‌گردد و کفایت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند چنانکه حتّی می‌توان گفت از محدودهّ زبان ملی بسی فراتر می‌رود و خصلت منطقه‌ای و گاه جهانی پیدا می‌کند. در واقع، زبان‌های لاتینی و عربی، طیّ بازهّ مدیدی همین جایگاه و مرتبت را یافته‌اند و، در روزگار ما، زبان انگلیسی، در مقیاسی بس وسیع‌تر، از منزلت جهانی برخوردار گشته است.

زبان انگلیسی خواه ناخواه زبان جهانی نه تنها دانش و فن بلکه زبان ارتباطی فراگیر جهانگردی شده است. کسی که با این زبان آشنا باشد، در همه کشورهای می تواند هم با عامه مردم و هم با قشر فرهیخته ارتباط برقرار کند. اکنون حتی فرهیختگان متعصب ترین اقوام و ملت ها نسبت به زبان ملی ناگزیر ترجیح می دهند نتایج کشفیات و تحقیقات علمی و فنی خود را به این زبان بنویسند و منتشر کنند. آثار مهمی که به این زبان نوشته می شود به فاصله کوتاهی به زبان های فرهنگی عمده جهان ترجمه می شود و در دسترس اهل آن زبان ها یا آشنایان به آن زبان ها قرار می گیرد. اگر کسی مجهز به آشنائی کافی با زبان انگلیسی نباشد، نمی تواند، در مجامع علمی بین المللی با دانشمندان کشورهای ارتباط زنده و مستقیم برقرار یا مقاله ارائه کند و یا از مقالات و مذاکرات بهره برگردد. اما زبان مشترک علمی و فنی مانع رشد زبان فرهنگی ملی حتی محلی نیست، چنانکه فی المثل زبان عربی به هیچ رو سد راه پرورش زبان ادبی و فرهنگی فارسی حتی فرهنگ های قومی و محلی در ایران زمین نشده است.

در کشور ما، پیش از جنگ جهانی و ورود قوای متفقین به ایران، زبان فرانسه، به حیث زبان علمی و فرهنگی ممتاز، در برنامه آموزشی دبیرستان ها منظور گشته بود. اما، پس از آن، رفته رفته زبان انگلیسی جای آن را گرفت و اکنون این زبان است که، در مقطع راهنمایی و دبیرستانی و پیش دانشگاهی و هم در همه مقاطع دانشگاهی، به حیث درس زبان خارجی، سلطه دارد و رقابت پذیر هم نیست. اما از عجایب روزگار است که بسیاری از دانش آموختگان حتی دوره دکتری در نظام آموزشی ما، هرچند درس زبان خارجی را در همه دوره های تحصیلی به درجات متوالی گذرانده اند، با آن زبان، گاه در همان درجه ابتدائی، آشنایی نیافته اند. این نتیجه می رساند که هم آموزش زبان خارجی مشکل و نارسائی جدی دارد و هم برای ورود به دانشگاه و مقاطع متعدد آن، آشنائی با زبان خارجی در حد لازم عملاً شرط نشده است.

پیش از انقلاب، برای ورود به مقطع دانشگاهی فوق لیسانس در کشور ما، آشنائی کافی به زبان خارجی - احیاناً به دو زبان خارجی - در حد فهم و ترجمه متن تخصصی شرط اصلی و گاه یگانه شرط بود. من خود برای ورود به دوره فوق لیسانس زبان شناسی دانشگاه تهران ترجمه دو متن در آن رشته به زبان های فرانسه و انگلیسی را گذراندم. علاوه بر آن، به این دو زبان با من مصاحبه شد. متأسفانه، اکنون می بینیم که دانش آموخته دوره دکتری رشته های

زبان‌شناسی یا ادبیات فارسی و چه بسا دانش آموخته رشته زبان‌های خارجی با زبان کلیدی انگلیسی آشنائی درخور ندارد و با این زبان نه ارتباط شفاهی می‌تواند برقرار کند و نه ارتباط کتبی، از منابع این زبان نیز نمی‌تواند مستقیماً استفاده کند. مآخذ مقاله‌هایی که به مجلات علمی-پژوهشی برای نشر عرضه می‌شود عموماً ترجمه دست دوم است آن هم ترجمه‌های نامطمئن به زبانی نارسا و ناهنجار و پُردست‌انداز. دانشجویان و دانش‌آموختگان عموماً قادر نیستند در فضای مجازی از موادی که به زبان انگلیسی نوشته شده بهره جویند.

اشکال ریشه‌ای کار کدام است؟ به عبارت انجیلی، درخت را از میوه‌اش باید شناخت. در اینجا نیز، اشکال را در زبان‌آموزی باید سراغ گرفت. در زبان‌آموزی، تا آنجاکه می‌توانم احساس کنم، اشکال در اتخاذ شیوه کتبی و گرامری و قالبی است، در آن است که زبان به طور زنده آموزش داده نمی‌شود و، از این رو، نه کارآمد است نه دلچسب، خشک و بی‌روح و ملال‌آور و رماننده است. در آموزش زبان، بیشتر بر دستور زبان آن هم به صورت انتزاعی تأکید می‌شود، در حالی که دستور مبتنی بر زبان زنده و مستخرج از آن است نه زبان زنده مبتنی بر دستور. زبان‌آموزی، اگر بخواهد ناظر به آشنایی با روح زبان باشد، باید همچون زبان‌آموزی کودک با سخن و متن آغاز گردد. قواعد زبانی در متن مدغم‌اند و کودک رفته رفته آنها را در ذهن جای می‌دهد. زبان باید به صورت زنده و طبیعی آموزش داده شود. با این روش، یادگیری زبان هم آسان و هم مطبوع می‌گردد.

در زبان، ماده و صورت، قاموس و دستور عجین‌اند. زبان اصولاً با واجگان، واژگان بنیادی (عمدتاً واژه‌های بسیط)؛ با تکواژهای دستوری (شناسه‌های اسمی و فعلی، کنایات، نقش‌نماها، نظام اعداد، وندها و هر آنچه فهرست بسته یا محدود دارد)؛ در سطح مورفولوژی (تکواژشناسی)، با قواعد ساختاری ترکیب و اشتقاق و تصریف؛ در سطح نحوی، با گروه‌های اسمی و وصفی و قیدی و ربطی و با ساختارهای جمله‌ای و قواعد مطابقت و نقش‌سازه‌ها؛ در سطح معنایی، یا مفاهیم و مصادیق و ترادف و تضاد و روابط آنها همچنین به‌خصوص با بوم‌گویی‌ها (idioms) مشخص و متمایز می‌گردد. اما این جمله در سخن از یکدیگر جدا نیستند و، در آموزش نیز، نباید به صورت انتزاعی تعلیم داده شوند.

خوشگوارترین و کارآمدترین راه آموزش زبان، در سطح بلافاصله پس از آشنائی مقدماتی، خواندن رُمان است. زبان رُمان زنده و بی‌اندازه غنی و متنوع است. این زبان بیانگر

همه شئون حیات انسانی و عناصر و حوادث طبیعی است. خواندن رمان گنجینه لغوی ما را غنا می‌بخشد و ما را با فرهنگ و روح زبان مانوس می‌سازد.

در گام‌های نخست، می‌توان از تحریر ساده شده رمان‌ها بهره جست. انگلیسی زبان‌ها، برای اشاعه زبان خود، ابتکار بسیار مؤثر و جالبی نشان داده‌اند. انتشارات دانشگاهی آکسفورد Oxford University Press شمار بسیاری از رمان‌های برگزیده انگلیسی را، به صورت ساده شده Simplified منتشر ساخته که به قلم‌های تخصصی ماهر بازنگاری retold شده‌اند و در مراتب چندگانه، از مبتدی starter تا رتبه ۶، مرتب گشته‌اند به نحوی که، در هر مرتبه، شمار واژه‌ها و الگوهای زبانی و بوم‌گویی‌های ناآشنا افزایش می‌یابد. کسانی که، برای وسعت و عمق بخشیدن به معلومات خود در این زبان، از این ساده شده‌ها، پله پله استفاده کنند مسلماً شاهد پیشرفتی دور از انتظار در دانش زبانی خود خواهند بود. شخصاً، برای تکمیل معلومات و پرمایه ساختن گنجینه لغوی خود در زبان انگلیسی و الفت بیشتر با روح و فرهنگ این زبان، بهره‌جویی از رمان‌های ساده شده را آزموده‌ام و آثار خجسته‌ای را شاهد گشته‌ام که تصوّرش را هم نمی‌کردم. حیف که این کار را دیر آغاز کردم چون سنّ و سال من برای زبان‌آموزی چندان مساعد نیست. مع الوصف این شیوه زبان‌آموزی را نه تنها مؤثر بلکه هم لذت‌بخش می‌بینم و ساعاتی را که در آن صرف می‌کنم مفرّح و دلگشا می‌یابم. زبان فرانسه را از کودکی سپس در نوجوانی به همین شیوه آموخته‌ام و با روح و فرهنگ آن زبان از همین راه انس گرفته‌ام.

در کتاب‌هایی که اکنون برای آموزش زبان در کشورهای راقیه پدید می‌آیند، دستور زبان به صورت زنده و، با مهارت تمام، از طریق متن تعلیم داده می‌شود و آن را جدا از متن نمی‌گیرند. از این رو، می‌توان گفت زبان‌آموزی همان فرایندی را می‌پیماید که در یادگیری کودک و فراگیری زبان بومی مشاهده می‌کنیم. ما نیز، در آموزش زبان، شایسته است همین شیوه را اختیار کنیم که، بی‌گمان، نتایج مطلوب به بار خواهد آورد و دیگر شاهد آن نخواهیم بود که دانش‌آموز و دانشجو، پس از سال‌ها دست و پا زدن در عرصه زبان‌آموزی، خود را در برقراری کمترین ارتباط شفاهی یا کتبی سالم به زبان خارجی به اصطلاح آموخته خود عاجز ببیند.

سر دبیر

